

بررسی عامل های اقتصادی-اجتماعی مرتبط با رضایتمندی زناشویی مهاجرین در مناطق نفت خیز جنوب: مطالعه ی موردی: شهرستان جم (شهرک توحید)

محمدتقی ایمان*^۱ حبیب احمدی^۲ و مریم مجیدی^۳

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی میزان رضایتمندی زناشویی مهاجرین مناطق نفت خیز و عامل های اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر آن است. این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه انجام شده است. نمونه ی مورد مطالعه شامل زوج های مهاجر ساکن شهرک توحید در شهرستان جم می باشد که تعداد ۳۰۰ نفر از آنها به گونه ی تصادفی انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفتند.

یافته های پژوهش نشان می دهد که بیش تر خانواده های مهاجر را زوج های جوان تشکیل می دهند. میانگین فاصله ی سنی زوجین ۷ سال است و درصد شایان توجهی از آنان (۴۰ درصد) با یکدیگر نسبت فامیلی دارند. همچنین از بین استان های مهاجر فرست، استان بوشهر بالاترین تعداد مهاجر را به این منطقه دارد. مهم ترین مشکل این خانواده ها کمبود امکانات، بویژه امکانات رفاهی و آموزشی می باشد. همچنین مهم ترین امتیاز منطقه از دید ساکنان، وجود امنیت و آرامش و نیز بودن اعضای خانواده در کنار یکدیگر است.

سایر یافته ها نیز نشان می دهد که میزان رضایتمندی در بین افراد بومی، زنان خانه دار، افراد سالم، زوجینی که با هم نسبت فامیلی دارند و مهاجرین اختیاری، بیش تر از سایرین می باشد. نتایج معادله ی رگرسیون نیز حاکی از این است که عامل های: دخالت خانواده، جنسیت، امکان تفریح مشترک، سطح تحصیلات، سلامت روان، رابطه با خانواده، سن و گروه های دوستی، به ترتیب دارای

^۱- دانشیار بخش جامعه شناسی دانشگاه شیراز

^۲- دانشیار بخش جامعه شناسی دانشگاه شیراز

^۳- کارشناس ارشد جمعیت شناسی

*- نویسنده ی مسئول مقاله: Iman@shirazu.ac.ir

اثرات تعیین کنندگی بر میزان رضایتمندی زناشویی هستند و این عامل ها روی هم رفته حدود ۴۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند.

واژه های کلیدی: رضایتمندی زناشویی، سلامت روان، اجماع زوجین، رضایت از زندگی، وحدت زوجین.

پیشگفتار

بحث خانواده از ابتدای تفکر جامعه شناختی، در بین نخستین جامعه شناسان مطرح بوده است، اما این بحث برحسب دوره های تاریخی، به اشکال گوناگون طرح شده است (سیف، ۴: ۱۳۶۸). بخش عمده ای از ادبیات جامعه شناسی معاصر، بر مطالعه روابط بین تغییرات اجتماعی ناشی از فرآیند صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی از یک سو و دگرگونی فرهنگ و خانواده از سوی دیگر، اختصاص یافته است. در نتیجه، خانواده بسیاری از عملکردهای خود را از دست داده و آن ها را به سایر نهادها واگذار کرده است و تنها کارکرد مهمی که باقی مانده، فراهم آوردن عامل های جامعه پذیری کودکان و برتر از همه شرایط کسب تعادل روانی بزرگسالان است (سگالن، ۱۳۷۰: ۸۸). در خانواده ی هسته ای، پیش از هر چیز، رضایت و خشنودی فردی اهمیت دارد. کارکرد عاطفی خانواده، بویژه در جوامع صنعتی نوین افزایش یافته است و فرهنگ نوین تأکیدی بیش تر بر همزیستی و باهم بودن دارد (همان: ۱۲۶).

رضایتمندی زناشویی می تواند به عنوان یکی از شاخص های اساسی در کیفیت زندگی^۱، تأثیری مهم بر آن داشته باشد. در همین رابطه دو نظریه در روانشناسی اجتماعی وجود دارد که باور دارد ابعاد گوناگون زندگی یک فرد، از جمله زندگی شغلی و خانوادگی، به هم مرتبط است: نظریه ی جبران^۲، که مدعی است شخصی که از یک جنبه ی زندگی ناخرسند است، به دنبال کسب رضایتمندی جبرانی، در دیگر زمینه های زندگی برمی آید. نظریه ی سرایت^۳، که مدعی است ناخشنودی از یک جنبه، بر کل زندگی فرد تأثیر می گذارد (ازکمپ ۱۳۶۹: ۲۷۸)، بنابراین پژوهش در مسئله ی رضایتمندی زناشویی، به چند دلیل دارای اهمیت است. برخی از این دلایل مربوط به اهمیتی است که نهاد خانواده، در جوامع امروزی دارد. برخی دیگر در ارتباط با کیفیت زندگی و تأثیری است که رضایتمندی زناشویی می تواند بر سایر جنبه های زندگی داشته باشد. همچنین

^۱ - Quality of life.

^۲ - Compensation theory.

^۳ - Spill – over theory.

رضایتمندی زناشویی، به دلیل نقشی که در سلامت جسمی و روانی افراد و زوج ها دارد، می تواند مورد بررسی قرار گیرد (سیف، ۱۳۶۸: ۱۳).

در این مطالعه، پژوهشگر در پی بررسی میزان رضایتمندی، در بین خانواده هایی است که بخاطر شرایط کاری، به مناطق جنوبی کشور مهاجرت نموده اند و به گونه ی ناخواسته، با مشکلاتی رو به رو شده اند که گاهی آن ها را مجبور به بازگشت به مبدأ کرده است و گاهی پس از مدتی ماندن در آن جا، با بیماری هایی مواجه شده اند که باعث کاهش کیفیت زندگی آن ها شده است. این پژوهش، شامل یک هدف کلی است، که عبارت است از: بررسی عامل های مرتبط با میزان رضایتمندی زناشویی در بین مهاجرین به مناطق نفت خیز جهت دستیابی به هدف بالا، پاسخ به پرسش های زیر لازم بنظر می رسد:

۱- میزان رضایتمندی زناشویی در بین مهاجرین مناطق نفت خیز چقدر است؟

۲- عامل ها و امکانات محیطی موجود، تا چه حد با میزان رضایتمندی مهاجران مرتبط است؟

۳- بهداشت و سلامت جسمی و روانی پاسخگویان چه ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی پاسخگویان دارد؟

۴- بین ویژگی های اقتصادی-اجتماعی پاسخگویان و میزان رضایتمندی زناشویی آنها چه رابطه ای برقرار است؟

۵- اجباری یا اختیاری بودن مهاجرت خانواده ها، تا چه حد با میزان رضایتمندی زناشویی آنان ارتباط دارد؟

ادبیات پژوهش

بیش تر پژوهش هایی که در رابطه با مسئله ی رضایتمندی زناشویی انجام گرفته، مربوط به کشورهای پیشرفته و صنعتی است و پیشینه ی پژوهش در این کشورها، به دهه ی ۱۹۵۰ به بعد می رسد (برادبری، ۲۰۰۰). در ایران نیز، مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته است که از میان آنها تا جایی که در دسترس ما قرار گرفته، فقط یک مورد در ارتباط با کارکنان صنعت نفت بوده است.

پژوهش های داخلی

در پژوهشی با عنوان "رضایتمندی زناشویی و عامل های تأثیرگذار بر آن در شیراز" به بررسی عامل های مرتبط با رضایتمندی زناشویی پرداخته شد. روی هم رفته، در یک تحلیل چند متغیره،

به نتیجه رسیدند که مهم‌ترین زمینه‌های ارتباطی مرتبط با این مسئله عبارتند از: سرمایه‌گذاری^۱، نگرش مثبت و تفاهم (میر احمدی زاده و دیگران، ۱۳۸۲).

پژوهشی دیگر در ارتباط با عامل های مؤثر بر رضایتمندی زناشویی در شهر اصفهان انجام گرفته، در این مطالعه که عنوان آن "بررسی ابعاد نارضایتی زناشویی زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر اصفهان" می‌باشد، نتایج حاکی از آن است که در یک مقایسه ی کلی بین زنان و مردان، تفاوت آنها در ابعاد مسایل شخصیتی، خانواده و دوستان، نقشهای مساوات طلبی، به لحاظ آماری معنی‌دار است و در ابعاد ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت های اوقات فراغت، رابطه ی جنسی، فرزند پروری، جهت گیری مذهبی و نارضایتی کلی تفاوتی معنی دار بین زنان و مردان وجود ندارد (ثنایی ذاکر و باقریان نژاد، ۱۳۸۲).

در پژوهشی با عنوان "رابطه ی اشتغال در طرح اقماری صنعت نفت با مشکلات خانوادگی و اجتماعی از دیدگاه کارکنان این طرح و همسران آن‌ها" نتایج پژوهش نشان داد که بین انجام کار اقماری، با مشکلات تربیتی فرزندان، امور عاطفی و روانی اعضای خانواده و مدیریت خانواده، رابطه ای معنی‌دار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که کارکنان در گروه‌های سنی ۲۰ تا ۴۱ سال، در مقایسه با گروه سنی ۵۱ سال به بالا و کارکنان بدون فرزند، نسبت به کارکنان دارای ۵ فرزند و بیش تر، دارای مشکلات اقتصادی بیش تری بودند. افزون بر این، کارکنان دارای ۳ فرزند و بیش تر، اختلال در رفتار اجتماعی بیشتری را نشان دادند (قلی زاده و مرادیان زاده ۱۳۸۳).

در پژوهشی دیگر با عنوان "تأثیر تصورات و تعاریف مشابه زوجین در رضایت از زندگی زناشویی از دیدگاه زنان" به مطالعه ی عامل های مؤثر بر رضایتمندی زناشویی پرداخته شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که سرمایه‌های فرهنگی زوجین، تعیین‌کننده ی اصلی تصورات و تعاریف آن‌ها از زندگی مشترکشان و همچنین تعیین‌کننده ی رفتار آن‌ها می‌باشد. در نتیجه، مشابهت در تصورات و تعاریف، رفتارها و مشغولیات مشابهی را در زندگی برای زوجین، فراهم می‌کند و باعث وجود گفتگو بین زوجین می‌شود که این نیز به نوبه ی خود، بر کیفیت روابط زناشویی و رضایت از زندگی بویژه از دیدگاه زنان، می‌افزاید (منادی، ۱۳۸۳).

در یک مطالعه با عنوان «بررسی رابطه ی بین میزان رضایت زناشویی والدین و بروز اختلالات رفتاری دختران» به بررسی مسئله ی رضایتمندی زناشویی پرداخته شد. نتایج این مطالعه نشان داد که بین میزان رضایت زوجین و ارتباط بین آن‌ها، رابطه ی مثبت برقرار است و هر چه ارتباط

^۱ - منظور از سرمایه‌گذاری آن است که هر یک از زوجین برای بهتر ساختن رابطه و نیز خوشایندی طرف مقابل، کارهایی را انجام دهند و یا از انجام آن خودداری کنند.

بین زوجین، شامل اظهار احساسات و بیان مشکلات و ... بالاتر باشد، میزان رضایت زناشویی آنان نیز افزایش می‌یابد. (کجباف، ۱۳۸۳).

پژوهش های خارجی

مطالعه‌ای با عنوان "تقسیم وظایف مراقبت از کودک و نگرش های مشارکت والدین در خانواده های هر دو زوج کارمند با بچه‌های کوچک" جهت بررسی عامل های موثر بر رضایتمندی زناشویی، انجام شده است. ارنبرگ و دیگران در این مطالعه نشان دادند که ابعاد مشارکت روانی و خانوادگی پیش‌بینی‌کننده ی رضایتمندی زناشویی، شایستگی والدین و نزدیکی به بچه‌هایشان بودند، اما تقسیم وظایف مراقبت از کودک مؤثر نبود (ارنبرگ^۱ و دیگران، ۲۰۰۱).

در پژوهشی دیگر با عنوان بررسی "رابطه ی بین کیفیت زناشویی و رضایتمندی شغلی: الگوهای بلندمدت و تفاوت های جنسی" به بررسی عامل های مؤثر بر رضایتمندی زناشویی پرداخته شده است.

نتایج نشان داد که کیفیت زناشویی و رضایتمندی شغلی در طولانی مدت باهم ارتباط دارند و کیفیت زناشویی در این میان موثرتر است. همچنین در طول زمان رابطه ی مثبت و منفی از کیفیت زناشویی به رضایتمندی شغلی وجود دارد. بویژه افزایش در رضایتمندی زناشویی به گونه ی معین با افزایش رضایتمندی شغلی همراه است و افزایش ناسازگاری زناشویی به گونه ی معین کاهش رضایتمندی شغلی را به همراه دارد و در نهایت این که این فرآیندها برای زنان و مردان متأهل به گونه ی یکسان عمل می‌کنند (راجرز و می، ۲۰۰۳).

در پژوهشی با عنوان "منش بیان کردن و رضایتمندی زناشویی: نقش فرآیندهای آرمان‌گرایی" هدف مطالعه، بررسی فرآیندهای بنیادی رابطه ی بین ویژگی بیان‌کردن و رضایتمندی زناشویی است. تحلیل های مسیر طولی و مقطعی نشان داد که بیان کردن، رضایت را از راه درگیر کردن زوج ها با رفتار محبت‌آمیز و هدایت آن ها در به کمال رساندن همسرشان، افزایش می‌دهد. این بررسی نشان داد که ویژگی بیان کردن در دهه ی دوم زندگی، گسترش می‌یابد و تبیین مناسبی از ارتباط بین ویژگی بیان کردن و رضایتمندی زناشویی، ارایه می‌کند (میلر^۲ و دیگران، ۲۰۰۳).

مطالعه ی دیگری در همین رابطه با عنوان "پایگاه زنان و رضایتمندی زناشویی در بولیوی" انجام گرفته است. نتایج نشان داد که میزان توجهی که یک زن از همسرش در خانه دریافت می‌کند و توانایی‌اش برای بیان عقیده در واحد زناشویی، به گونه ی ویژه با سطوح بالاتر

^۱- Ehrenberg.

^۲- Miller.

رضایتمندی زناشویی رابطه دارد. همچنین افزایش خودمختاری زنان در این زمینه‌ها، رضایتمندی آن‌ها از واحد زناشویی را بالا می‌برد (اورگیل و هیتون^۱، ۲۰۰۵).

در یک بررسی، با عنوان "استانداردهای رابطه و رضایتمندی زناشویی در بین زوجین چینی و آمریکایی" به بررسی تأثیر استانداردهای ذهنی و تفاوت‌های فرهنگی بر رضایتمندی زناشویی، در بین دو نمونه از زوجین چینی و آمریکایی پرداخته شد. نتایج نشان داد که تفاوت‌های جنسی تأثیر کمی در استانداردهای رابطه‌ای دارند، اما بین زوج‌های چینی و آمریکایی، تفاوت فرهنگی زیادی وجود دارد. تبعیت از استانداردها و درجه‌ی توافق زوجین بر استانداردها، با سطح سازگاری زناشویی همسران ارتباط دارند و این تأثیر برای هر دو نوع فرهنگ، وجود دارد (اپشتاین^۲ و دیگران، ۲۰۰۵). پژوهشی با عنوان "مطالعه نشان می‌دهد که تعطیلات، فواید بهداشت روانی برای زنان ایجاد می‌کند" با حمایت مؤسسه‌ی ملی ایمنی و بهداشت حرفه‌ای نیوش^۳ در ویسکانسین، بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ انجام شد. پژوهشگران فشارهای روان‌شناختی، کیفیت زندگی زناشویی، مختل‌کننده‌های زندگی خانوادگی ناشی از کار را در میان زنانی که غالباً به تعطیلات می‌روند، با آن‌هایی که نمی‌روند، مقایسه کردند. نتایج نشان داد که نسبتی که تعطیلات زنان کاهش می‌یابد، افسردگی افزایش پیدا می‌کند. همچنین زنانی که کم‌تر به تعطیلات می‌روند و سراسر زندگی خانوادگی آن‌ها به خاطر کار مختل شده، احساس خستگی بیش‌تری می‌کردند و فرسوده شده بودند و کم‌تر از ۸ ساعت در روز می‌خوابیدند (مارشفیلد کلینیک، ۲۰۰۵)^۴.

در یک بررسی دیگر، تأثیر عامل‌های مرتبط با کار بر رضایتمندی زناشویی بررسی شده است. این پژوهش، با عنوان "پوشیدن کفش‌های کار: تنوع در حمایت زناشویی مرتبط با کار برای همکاران متأهل حرفه‌ای" می‌باشد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که سطح و ویژگی‌های حمایت زوجی، بر اساس الگوی کاری متفاوت است. افرادی که هم در محل کار و هم شغل اشتراک دارند، احساس نزدیکی کاری با همسرشان دارند و این که کار مشترک آن‌ها برای هر دو زوج، اهمیت دارد. با این حال عناصر کار مشترک، به لحاظ کیفی در طبقات گوناگون کاری، باهم فرق می‌کنند (جانینگ، ۲۰۰۶)^۵.

در یک بررسی با عنوان "اثر تفریحات مشترک خارج از خانه بر رضایتمندی زناشویی و درک زوجین از آن" پژوهشگران هدف مطالعه خود را کشف دریافت‌های زوجین متأهل از رضایتمندی

¹ -Orgil , Heyton.

² -Epstein.

³ -NIOSH.

⁴ -Marshfield clinic.

⁵ - Janning

زناشویی در تفریح خارج از خانه تعیین می‌کنند و نتایج نشان می‌دهد که میزان تضاد بین زوجین پس از انجام این تفریحات مشترک، کاهش می‌یابد و این کاهش تضاد به نوبه ی خود، باعث افزایش رضایتمندی زناشویی در آنان می‌شود. در طی این فعالیت ها زوجینی که میزان تضاد بالاتری داشتند، زمانی را برای حل آن ها گذاشتند و در نتیجه رضایتمندی آنان افزایش یافت. پس رضایتمندی زناشویی به توانایی زوج ها برای حل تضاد بستگی دارد (تانی گوچی^۱ و دیگران، ۲۰۰۴).

دیدگاه کلان

در دیدگاه کلان، دو نوع برخورد با جامعه وجود دارد: یکی از آن ها دیدگاه موسوم به کارکردگرایی ساختی است و فرد شاخص آن پارسنز^۲ بشمار می رود. طرفداران این مکتب بر این باورند که اجزای متشکل یک نظام اجتماعی (جامعه) آنچنان به یکدیگر مرتبط و وابسته است که نتایج و آثار هر یک از آن اجزاء، ضرورتاً موجبات چگونگی دوام و بقای کل جامعه را فراهم می‌کند. و هر نهاد اجتماعی کارکرد معینی دارد که به گونه ای در دوام و بقای جامعه مؤثر است. برای مثال نهاد خانواده با کارکردهای خود، از قبیل تولید نسل و پرورش افراد به دوام و بقای نظام اجتماعی کمک می‌کند (ادیبی، ۱۳۵۸).

از دیدگاه کارکردگرایان، نظام ارزشی مشترک، در سطح جامعه و در سطح فردی لازمست و همین است که موقعیت های اجتماعی را استوار، بامعنی و پیش‌بینی‌پذیر می‌سازد، هدف های مشترکی چون خوشبختی در زناشویی، موقعیت فرزندان و دستاورد شغلی، انسجام سطح بالایی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. یکی از نیازهای دیگر جامعه این است که تظاهرات عاطفی مردمش را تنظیم کند زیرا عواطف افسار گسیخته می‌تواند سرچشمه ی هرج و مرج شود. برخی از عواطف آشکارا ضروری‌اند. برای مثال عشق و وفاداری خانوادگی برای تضمین جمعیت کافی ضرورت دارد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۳۰-۱۲۲).

نظریه ی دوم در دیدگاه کلان، نظریه ی فمینیسم است که از مکتب تضاد سرچشمه می‌گیرد و در دوران معاصر بیش تر مطرح شده است.

ایجاد رضایتمندی زناشویی در بین زنان، مبنای بسیاری از کارهای پژوهشی، بویژه در جوامع صنعتی و پیشرفته گردیده است (استیونس و دیگران، ۲۰۰۱، ارنبرگ و دیگران، ۲۰۰۱).

¹ -Taniguchi

² -Parsons.

دیدگاه خرد

در دیدگاه خرد، خانواده به عنوان یک گروه اجتماعی بررسی می‌شود. از جمله نظریه‌های مطرح در این دیدگاه، نظریه ی مبادله است. در دیدگاه مبادله، واحد تحلیل فرد است و گروهها به منزله ی پدیده‌ای که به فرد خدمت می‌کنند، دیده می‌شوند. برخی از اصول مکتب مبادله به قرار زیرند:

- انگیزه، نقشی مهم در مبادله ایفاء می‌کند، اما به صورت فردی مطرح است.
- چون انسان ها در جستجوی لذت در رضایت خاطر هستند، بنابراین، هر فرد در رویارویی با افراد دیگر، باید همان گونه که چیزی را می‌گیرد، چیزی نیز بدهد. آن ها بر این باورند که اگر رضایت متقابل بدست نیاید، هیچ نوع کنش متقابلی صورت نخواهد گرفت.

- تأیید اجتماعی می‌تواند به صورت انگیزه و عامل ایجادکننده ی رضایت در نظر گرفته شود. در نظریه ی مبادله، با وجود این که به دسته‌بندی پاداش ها نمی‌پردازند، اما پاداش های کلی معینی وجود دارد که قوی‌ترین آنها تأیید اجتماعی است.

- در گروه، هماهنگی منبع رضایت است. بر اساس این دیدگاه، هماهنگی با هنجارها سبب می‌شود که سودی عاید فرد شود. البته سود برای افراد گوناگون معانی متفاوتی دارد و هماهنگی فرد با گروه، بهترین نشانه بستگی و تعلق گروهی است (ادیبی، ۱۳۵۸).

کالینز استدلال می‌کند که آگاهی دوجانبه، تمرکز بر توجه مشترک، هماهنگی موزون حالات گفتگو، روحیه و نماد مشترک، احساساتی را که انعکاس دهنده و بالابرنده ی حالت، روحیه، توجه و هماهنگی مردم است، ایجاد می‌کند. با ایجاد این احساسات که ویژگی مناسک است، فرآیندهای مبادله شکل می‌گیرد (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۳۸).

کالینز دو نوع اساسی منابعی که برای مبادلات و مناسک سرنوشت ساز هستند را مجسم می‌کند: ۱- ذخیره ی فرهنگی. ۲- انرژی احساساتی.

ذخیره ی فرهنگی، متشکل از منابعی مانند: گفتگوهای قبلی ذخیره شده در حافظه، شیوه ها و طرحهای صوتی، انواع ویژه ی دانش و مهارت توان تصمیم‌گیری و استحقاق دریافت افتخار می‌باشد. انرژی احساساتی نیز متشکل از سطح و نوع عواطف، احساسات و باوری است که افراد را در یک موقعیت تحریک می‌کند (همان: ۴۴۰).

گفتگوها شامل استفاده از ذخیره و انرژی است که فرد را به سوی موقعیت هایی که بهترین پاداش قابل دسترسی را به بار می‌آورد، جذب می‌کند. کالینز بر این باور است که هر چند افراد سودی را از کنش متقابل دریافت می‌دارند، اما تأکید می‌کند احساسات به عنوان نیروی محرک حقیقی کنش متقابل است. افراد در پی انرژی احساسای مثبت رضایت‌بخش هستند (همان، ۴۴۱).

از نظر کالینز آن نوع برخوردی که افراد در آن می‌توانند، قدرت بیش تری برای وادار کردن افراد، به انجام کارها داشته باشند، سود احساساتی را بالا می‌برد (همان: ۴۴۱).

کالینز بر این باور است که انسان‌ها، در پی دستیابی به بیش ترین حد منزلت ذهنی‌اند و توانایی‌شان در این زمینه بستگی به منابعی دارد که خود در اختیار دارند و نیز منابع آدم‌های دیگری که با آن‌ها سرو کار دارند (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۷۳).

نظریه ی نقش از دیگر نظریه‌هایی است که از دیدگاه خرد مسایل اجتماعی را بررسی کرده است. در جامعه‌شناسی، نقش عبارتست از کارکردهایی که یک شخص هنگام اشغال یک پست یا یک مقام در یک زمینه ی اجتماعی ویژه، باید انجام دهد.

مفهوم دیگر در این دیدگاه، نقش‌سازی است. به این معنی که افراد، قهرمانان داستانی هستند که خودشان نقش خود را می‌سازند و اجرا می‌کنند. برای مثال، با این که بیش تر مردم انتظارات کلی از نقش خود را در ازدواج می‌آموزند، اما زوج‌های تازه ازدواج کرده، معمولاً نیاز پیدا می‌کنند که با یکدیگر درباره ی جزئیات مشخصی از ارتباط‌های خود و برای روشن شدن این که چه کسی، چه وقت، باید چه کار کند، به توافق برسند. البته در طول زندگی مشترک، ممکن است نقش‌ها بر حسب تغییراتی که در زندگی بوجود می‌آیند، دوباره‌سازی شوند و تغییر کنند. موضوع دیگر این که ما وقتی نقش خود را یاد می‌گیریم، نه تنها سهم خود بلکه بسیاری از وجوه نقش مکمل نقش خود را نیز فرا می‌گیریم. برای مثال، شوهر بودن مستلزم داشتن دانش شایان توجهی درباره ی نقش زن است (کریمی، ۱۳: ۴۲-۴۱).

نظریه‌پردازان شبکه ی رهیافت‌های ذره‌نگرانه را به خاطر خردبینی بیش از اندازه و ندیده گرفتن پیوندهای میان کنشگران، رد می‌کنند. آن‌ها می‌گویند باید بر الگوهای عینی پیوندهایی تأکید کرد که اعضای یک جامعه را به یکدیگر مرتبط می‌سازند. تأکید آن‌ها، نه بر کنشگران با اختیار، بلکه بر الزام ساختاری است. (ریترز ۱۳۷۴: ۵۷۷).

بات،^۱ از نظریه‌پردازان شبکه است. وی پژوهش جالبی در مورد تقسیم نقش در خانواده انجام داده است. او در سال ۱۹۵۶ پس از بررسی ۲۰ خانواده ی انگلیسی در لندن، کتاب مشهور خود «خانواده و شبکه ی اجتماعی» منتشر کرد. او پس از بررسی، به وجود دو الگوی تقسیم نقش در خانواده، پی برد (اعزازی، ۱۳۸۲: ۱۳۲).

بات مشخص کرد که روابط اجتماعی تمامی خانواده‌ها با جامعه، حالت شبکه دارد. او سپس این فرضیه را مطرح کرد که درجه ی جدایی مربوط به نقش‌های زن و شوهر، مستقیماً به تبعیت از اندازه ی متصلاانه‌بودن شبکه ی اجتماعی خانواده، تفاوت می‌کند. زن و شوهری که در یک

¹ - Bott

شبکه ی اجتماعی پراکنده زندگی می کنند، از محیط و دوستان خارج از خانه حمایتی کسب نمی کنند، پس مجبور به کمک های متقابل به یکدیگر و حتی پذیرش نقش های سنتی یکدیگر می شوند. سپس بات روشن کرد که تقسیم نقش در درون خانواده، بیش از آن که یک پدیده ی طبیعی یا ضروری (بر خلاف نظر پارسنز) برای انسجام خانواده باشد، به رابطه ی زوج ها با محیط اجتماعی بستگی دارد (همان: ۱۲۳).

نظریه های روان شناسی اجتماعی

در روان شناسی اجتماعی، در ارتباط با رضایتمندی، دو دسته نظریه وجود دارد: **نظریه های انتظار^۱**: این نظریه بر این باور است که رضایتمندی با نحوه ی انطباق کامل امیدها و انتظارات، با پیشرفتهای فرد تعیین می شود، در حالی که نارضایتمندی^۲ معلول ناکامی در رسیدن به انتظارات است.

نظریه ی نیاز^۳: رضایتمندی را به عنوان تابعی از میزان کامروایی و ارضای نیازهای فرد، شامل نیازهای جسمی و روان شناختی تعریف می کند. نیاز، به عنوان احتیاج های عینی انسان که در همه ی افراد مشابه است، تلقی می شود. در حالی که ارزش ها، آرزوهای ذهنی فرد هستند که از یک شخص به شخص دیگر فرق می کند (از کمپ، ۱۳۶۹: ۳۶).

یکی از نظریه های انتظار، نظریه ای به نام کامروایی است. این دیدگاه تأکید می کند که محیط در انگیزش نیازها تأثیر به سزایی دارد. می توان گفت، شمار نیازهایی که در محیطی ویژه برانگیخته می شوند، با شمار عامل های محیطی، نسبت مستقیم دارند. در محیط متنوع و غنی، نیازهای بسیاری برانگیخته می شوند. محیط شخص، ممکن است از لحاظ عامل های انگیزنده ی نیازها چندان فقیر باشد که بسیاری از نیازهای شخص، نابرانگیخته باقی بمانند، اما اگر نیازی برانگیخته شد، فقر محیط نمی تواند به زودی آن را از فعالیت بیندازد و در اینجاست که اهمیت شناخت شخص، پدیدار می شود (همان: ۵۸-۵۷).

^۱- Expectancy theories.

^۲- Dissatisfaction.

^۳- Need theories.

چارچوب نظری

نظریه‌هایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند، از یک سو نظریه های کلان‌نگر مانند کارکردگرا و تضاد و از سوی دیگر، نظریه های سطح خرد مطرح شدند. در بررسی نظریه‌های بالا می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

پارسنز در تلفیق کنش و ساختار با عدم توفیق روبه روست و به همین دلیل کار او دچار نوعی سردرگمی شده است (ریتزر، ۱۳۷۴: ۵۳۲). نظریه ی فمینیستی نیز به چند دلیل انتقاد پذیر است:

(الف) نظریه ی فمینیستی بسیار نو و تندروانه است.

(ب) بسیاری از آفرینندگان این نظریه جامعه‌شناس نیستند.

(ج) در مورد اعتبار علمی آن، بدگمانی‌هایی وجود دارد.

(د) نظریه ی فمینیستی در هیچ یک از سه انگاره‌ای که از دیرباز به عنوان الگوی جهت گیری جامعه‌شناسی به موضوع بررسی‌اش عمل کرده‌اند، یعنی انگاره ی واقعیت‌های اجتماعی، انگاره ی تعریف اجتماعی و انگاره ی رفتار اجتماعی، جای نمی‌گیرند (همان: ۴۶۰)، اما مفهوم رضایتمندی زناشویی، یک مفهوم روان‌شناسی اجتماعی است و به تعامل بین دو نفر (زوج) بر می‌گردد. در بین نظریه های مطرح شده در این مقاله که بیش تر از دید روان‌شناسی اجتماعی، به بررسی موضوع پرداخته‌اند، نظریه ی کالینز بیش از سایر نظریه ها می‌تواند ابعاد مسئله ی رضایتمندی را توضیح دهد. به این دلیل که نظریه ی کالینز، تکامل یافته ی نظریه های پیشین است. از دید کالینز، جامعه‌شناسی بیش تر علاقه‌مند به زنجیره ی کنش‌های متقابل، بین چند نفر، در یک تماس است. اصطلاح زنجیره‌های کنش متقابل مناسکی، ترکیبی از تئوری مبادله، بخشی از کنش متقابل و عناصری از تئوری روان‌شناسی تحلیلی، می‌باشد. نظریه ی کالینز، از آن جا یک نظریه ی مبادله است که او زندگی اجتماعی را به صورت مبادله ی دایمی بین افرادی می‌داند که سعی دارند در بازار اجتماعی، با یکدیگر مبادله کنند؛ از این جهت که روی مکالمه و گفتگو، به عنوان منابع اصلی در بازار اجتماعی، تأکید می‌کند، کنش متقابلی است و به دلیل این که در آن احساس، به عنوان نیروی عاطفی مشخصی، و رای کنش متقابل و ساخت اجتماعی، دیده می‌شود، تحلیل روان‌شناختی است (رتزر، ۲۰۰۳: ۴۳۶).

کالینز، یکی از قوی‌ترین مدافعان جامعه‌شناسی‌ای است که به مفهوم‌سازی های کنش متقابل چهره به چهره، می‌پردازد. بنظر او همه‌ی ساختارهای کلان، ناشی از تعامل در سطح خرد است. کالینز بویژه علاقه‌مند به تماس، توزیع افراد در فضای فیزیکی، منابع و سرمایه ویژه‌شان، برای استفاده در مبادلات و نابرابری ها در منابع می‌باشد.

بنابراین تعامل در یک تماس تحت تأثیر منابع نسبی شرکت‌کنندگان و تراکم یا تعداد افراد در صحنه می‌باشد (همان: ۱۵۲).

از سوی دیگر، کالینز بر این باور است که تداوم تعاملات و تکرار آن‌ها، به توسعه‌ی احساسات مثبت منجر می‌شود و افراد در تعاریف شان از موقعیت، همگرا می‌شوند و خلق و خواها، باورها، نظرگاهها و ایده‌های مشترک پیدا می‌کنند و در نهایت تعلقات قوی و احساس انسجام گروهی، بوجود می‌آید. روی هم رفته، کالینز قضایای زیر را درباره‌ی شرایط گفتگو پرورنده است:

۱. احتمال گفتگو و مبادله‌ی محاوره‌ای بین افراد تابع مثبت و تراکمی از:

الف) میزان حضور فیزیکی آن‌ها.

ب) رضایت عاطفی که از مبادله‌های مکالمه‌ای پیشین بدست آورده‌اند.

ج) درک جذابیت منابع همدیگر.

د) سطوح فعالیت مناسکی پیشین آن‌ها.

۲. هرچه میزان برابری و شباهت منابع افراد بیش تر باشد، احتمال زیادتری وجود دارد که:

الف) عواطف شدید و مثبت.

ب) حس تعلق.

ج) اجماع مشترک، خلق و خوی، باورها و چشم‌اندازهای مشترک.

د) پیوستگی شدید اجتماعی حفظ شده به وسیله‌ی مناسک، بوجود آید.

تمام گفتگوها به گونه‌ی یکسان موفق نیستند. برخی از آن‌ها، افراد را محکم‌تر به هم پیوند می‌زند. در بین گفتگوهای موفق، برخی احساس تساوی در عضویت را در بین گفتگوکنندگان بوجود می‌آورند. در حالی که گفتگوهای دیگر، احساس تفاوت‌های رتبه‌ای، شامل اقتدار و تابعیت را ایجاد می‌کنند. این تغییرپذیری برای بازتولید نظم اجتماعی قشربندی شده، اساسی است. عناصر زیر باعث موفقیت یا عدم موفقیت مناسک گفتگویی می‌شوند:

۱. شرکت‌کنندگان در یک مناسک گفتگویی موفق، باید قادر باشند تا به یک واقعیت شناختی مشترک استناد کنند. یک گفتگوی موفق، ممکن است غیر مساوی باشد، در این مورد ما مناسک سلطه و تابعیت را داریم.

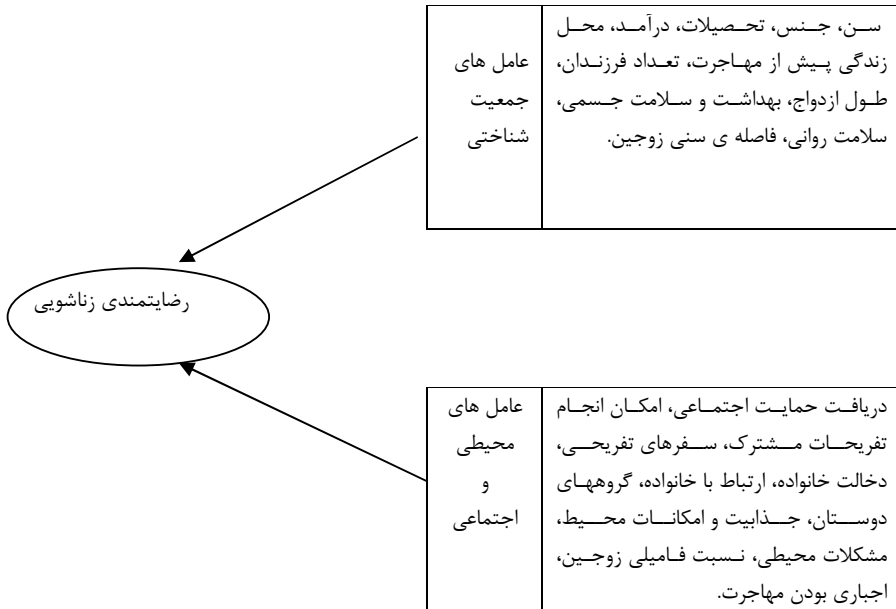
۲. شرکت‌کنندگان باید قادر باشند تا یک حالت احساسی مشترک را نگه دارند، دست کم، آن‌ها باید خواهان انسجام موقت باشند. مشارکت احساسی ممکن است قشربندی شده باشد، به گونه‌ای که گروه را به رهبران احساسی و پیروان تقسیم کند (کالینز، ۱۹۸۱: ۹۹۹).

موضوع دیگری که کالینز بر آن تأکید دارد، مسئله‌ی قدرت است. با وجود این که افراد ممکن است حتی در شرایط نابرابر، احساس رضایت کنند و قشربندی را در داخل گروه بپذیرند، اما کالینز

بر این باور است که فردی که دارای قدرت بیش تر در گروه است، از انرژی احساسی بیش تری برخوردار است و زمانی که شخص از انرژی احساساتی بیش تری برخوردار است، قادر است منابع فرهنگی بیش تری را از تعامل بدست آورد.

اساسی ترین عنصر احساسی در تعامل ها، کم ترین احساس مثبت نسبت به دیگران است. احساسات انسجام، از عدم دشمنی تا دوست داشتن متقابل، در نوسان است. این احساسات از تجربه های قبلی در زنجیره ی مناسک تعامل، نشأت می گیرند. فردی که در یک تعامل پذیرفته شده، افزایشی را در انرژی احساسی مثبت دارد. با بدست آوردن این احساس، فرد منابع احساسی زیادتری را برای موفقیت در تعامل بعدی دارد (کالینز، ۱۹۸۱: ۱۰۰۲).

مدل تجربی



فرضیه های پژوهش

- ۱- بین سن افراد و میزان رضایتمندی زناشویی، ارتباط وجود دارد.
- ۲- بین تحصیلات و رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۳- بین میزان رضایتمندی زناشویی با جنس افراد، ارتباط وجود دارد.
- ۴- بین سلامت جسمی و روانی افراد، با میزان رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۵- بین تعداد فرزندان و میزان رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۶- بین افزایش طول ازدواج، با میزان رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۷- بین فاصله ی سنی زوجین و میزان رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۸- بین میزان درآمد خانواده و میزان رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۹- بین وجود ارتباط با خانواده و رضایتمندی زناشویی زوجین ارتباط وجود دارد.
- ۱۰- بین دخالت خانواده و میزان رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۱۱- بین برخورداری از حمایت های اجتماعی و گروه های دوستان با رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۱۲- بین وجود سفرها و تفریحات مشترک زوجین و میزان رضایتمندی زناشویی آن ها ارتباط وجود دارد.
- ۱۳- بین جذابیت و امکانات محیطی و رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۱۴- بین مشکلات محیطی و رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۱۵- بین مهاجرت اجباری و میزان رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.
- ۱۶- بین نسبت فامیلی بین زوجین و رضایتمندی زناشویی ارتباط وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش، لازمه ی دانش است. هیچ دانشی، بدون روش قابل تصور نیست و اعتبار دستاوردهای هر دانشی، نیز به ایقان روش یا روش هایی وابسته است که در آن مورد استفاده قرار می گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۴).

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش کمی است و از روش پیمایش در آن استفاده شده است. همچنین، ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه ی توأم با مصاحبه می باشد. جامعه ی آماری در این پژوهش، متشکل از تمامی زوج های ساکن در شهرک توحید شهرستان جهم، در استان بوشهر می باشد. این مجموعه، مشتمل بر ۶۲۳ زوج و برابر با ۱۲۴۶ نفر است. برای تعیین حجم نمونه، این تعداد را در فرمول کوکران قرار داده شد که پس از انجام محاسبات لازم،

تعداد ۲۶۳ مورد، به عنوان حجم نمونه بدست آمد. در نهایت با توجه به احتمال وجود تعدادی پرسشنامه ی مخدوش، تعداد نمونه ۳۰۰ نفر تعیین گردید.

برای سنجش رضایتمندی زناشویی، از مقیاس سازگاری زوجین اسپنیر و فیلسینگر^۱ استفاده شد. یکی از کاربردهای این مقیاس ارزیابی رضایتمندی زناشویی است. بر اساس آزمون تحلیل عامل، چهار بعد وابسته به هم، در این مقیاس قابل تشخیص است که عبارتند از: اجماع زوجین، وحدت زوجین، رضایت زوجین و ابراز دلبستگی. برای هر یک از این ابعاد گویه‌هایی در نظر گرفته شده است. در مجموع ۳۲ گویه ی نهایی انتخاب شده است که بر روی هم مقیاس مورد نظر را می‌سازند (میلر، ۲۰۰۳: ۵۵۳-۵۵۱).

یکی از متغیرهای مستقل سلامت روانی افراد است که برای سنجش آن از فرم کوتاه شده ی مقیاس افسردگی، اضطراب و فشار روانی استفاده شده است. این مقیاس شامل ۲۱ گویه است و هر هفت گویه ی آن، یک عامل یا سازه ی روانی را اندازه‌گیری می‌کند.

برای بدست آوردن روایی یا اعتبار^۲ پرسشنامه، افزون بر این که سعی شده از مقیاس های استاندارد، جهت سنجش متغیر وابسته و نیز متغیر سلامت و بهداشت روان استفاده شود. پس از انجام پرسشگری و آزمون تحلیل گویه، آزمون های ضریب همبستگی پیرسون، در مورد میزان همبستگی هر گویه با طیف کلی انجام شد. این آزمون در ارتباط با تک تک ابعاد رضایتمندی انجام شده است. این نتایج در مجموع، نشان دهنده ی میزان سازگاری درونی اجزای طیف است. در ارتباط با پایایی^۳ ضرایب آلفای کرونباخ برای هر سه بعد سازگاری زناشویی بالای ۶۰ تا ۷۰ است.

جدول ۱ - ضرایب آلفای کرونباخ برای ابعاد سازگاری زناشویی

ابعاد سازگاری زناشویی	ضریب آلفای کرونباخ
اجماع و دلبستگی	۰/۹۰
وحدت	۰/۶۸
رضایت	۰/۷۸

همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای سایر طیف هاست. مقدار بدست آمده برای این ضریب در مورد همه ی طیف ها بین ۰/۶۱ تا ۰/۷۳، در نوسان است.

^۱ -DAS "Dyadic Adjusted Scale"

^۲ -Validity.

^۳ -Reliability.

یافته های پژوهش

همان گونه که در بخش نظری پژوهش اشاره شد، سازگاری زناشویی پاسخگویان که متغیر وابسته پژوهش است، در ۴ بعد: رضایت از زندگی، اجماع زوجین، دلبستگی و وحدت زوجین، قابل بررسی است. برای سنجش این متغیر از طیف ۲۵ گویه‌ای لیکرت، استفاده شده است. از آن جا که دقت در اندازه‌گیری متغیر وابسته از اهمیتی ویژه برخوردار است، برای تعیین اعتبار سازه‌ای طیف، از آزمون تحلیل عامل استفاده شده است که در این بخش به بررسی نتایج بدست آمده از آزمون تحلیل عامل می‌پردازیم.

نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی پاسخگویان با سن آن‌ها ($R = -0.1173$)، سطح تحصیلات ($R = -0.2$)، میزان درآمد پاسخگو ($R = -0.28$)، بهداشت روانی پاسخگویان ($R = 0.377$)، امکان ایجاد تفریح مشترک ($R = 0.351$)، میزان رابطه با گروه دوستی ($R = 0.276$)، میزان رابطه با فامیل ($R = 0.214$)، میزان دخالت خانواده ($R = -0.47$) و میزان سفر ($R = 0.135$) رابطه‌ی معنی‌دار دارد. همان گونه که مشاهده می‌شود، متغیر دخالت خانواده، قوی‌ترین رابطه را با متغیر وابسته یعنی سازگاری زناشویی دارد که این رابطه منفی است و این بدان معنی است که هرچه دخالت خانواده در زندگی پاسخگویان افزایش یابد، سازگاری زناشویی زوجین کاهش می‌یابد. از نکات دیگر این‌که، افزایش پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان که شامل شاخص‌های درآمد و تحصیل است، رابطه‌ی منفی با سازگاری زناشویی دارد و بدین معنی که افزایش پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان موجب کاهش سازگاری زوجین می‌گردد.

نتایج همچنین نشان می‌دهد که ۹ متغیر: سطح تحصیلات، تعداد فرزند، میزان درآمد پاسخگو، میزان بهداشت روانی، امکان تفریح مشترک، میزان رابطه با گروه دوستی، میزان ارتباط فامیلی، میزان دخالت خانواده در زندگی پاسخگویان و بالاخره میزان مسافرت سالانه، رابطه‌ی معنی‌دار با میزان اجماع زوجین دارد. در مورد این متغیر نیز دخالت خانواده قوی‌ترین رابطه را با متغیر وابسته دارد ($R = -0.423$).

براساس جدول (۲)، وحدت زوجین با سن پاسخگو، مدت ازدواج، میزان درآمد پاسخگو، بهداشت روانی پاسخگو، امکان تفریح مشترک، میزان ارتباط با گروه دوستی و دخالت خانواده در زندگی پاسخگویان، رابطه‌ی معنی‌دار دارند. در این میان، میزان تفریحات مشترک قوی‌ترین رابطه‌ی مثبت را با وحدت زوجین دارد ($R = 0.385$). نکته‌ی قابل توجه در این مورد، این است که وحدت بین زوج‌های جوان‌تر و تازه ازدواج کرده بیش از زوج‌های مسن می‌باشد زیرا رابطه‌ی سن زوجین و مدت ازدواج با وحدت زوجین منفی است.

براساس جدول (۲)، ۸ متغیر: سن پاسخگو، تحصیلات و درآمد پاسخگو، بهداشت روانی، تفریح مشترک، میزان رابطه با گروه دوستی و خانواده و دخالت خانواده متغیرهایی هستند که رابطه ای معنی دار با میزان رضایت پاسخگویان از زندگی زناشویی دارند. قوی ترین رابطه در این مورد، مربوط به بهداشت روانی پاسخگویان است ($R=0/434$).

جدول ۲ - ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل نسبی و فاصله ی سازگاری زناشویی و ابعاد آن

نام متغیر	سازگاری زناشویی	اجماع زوجین	وحدت زوجین	رضایت از زندگی زناشویی
سن پاسخگو	$-0/17^1$	$-0/08$	$-0/14^*$	$-0/294^*$
فاصله ی سن زوجین همسر	$0/05$	$0/08$	$0/03$	$-0/03$
مدت ازدواج	$-0/06$	$-0/04$	$-0/15^*$	$0/061$
تحصیلات	$-0/2^*$	$-0/21^*$	$0/05$	$-0/179^*$
مدت اقامت درجم	$0/004$	$-0/02$	$-0/06$	$0/034$
تعداد فرزند	$1/32$	$0/168^*$	$-0/05$	$-0/01$
درآمد پاسخگو	$-0/279^*$	$-0/24^*$	$-0/16^*$	$-0/326^*$
درآمد همسر	$0/0511$	$0/061$	$-0/058$	$0/08$
بهداشت روانی	$0/377^*$	$0/279^*$	$0/286^*$	$0/434^*$
امکان تفریح مشترک	$0/351^*$	$0/327^*$	$0/385^*$	$0/25^*$
میزان ارتباط با گروه دوستی	$0/276^*$	$0/266^*$	$0/181^*$	$0/233^*$
میزان ارتباط با فامیل	$0/214^*$	$0/255^*$	$0/008$	$0/134^*$
رضایت از امکانات	$0/05$	$0/047$	$-0/002$	$0/057$
دخالت خانواده	$-0/47^*$	$-0/42^*$	-2460^*	$-0/403^*$
تعداد سفر	$0/135^*$	$0/149^*$	$0/071$	$0/06$

* - سطح معنی داری دست کم ۹۵ درصد است.

یافته های مقایسه ای

از میان متغیرهای مستقل، متغیرهای جنس، بومی بودن یا نبودن، وضعیت شغلی زن، داشتن بیماری خاص، نسبت فامیلی زوجین، روش مهاجرت، داشتن یا نداشتن مشکل و داشتن یا نداشتن نکات مثبت در منطقه، متغیرهای اسمی دو گزینه‌ای هستند که در آزمون تی مورد سنجش قرار گرفته‌اند. در این بخش، به بررسی نتایج بدست آمده از این آزمون پرداخته می‌شود.

بر اساس جدول شماره ۳، میزان رضایتمندی زناشویی زنان بیش از مردان است. به گونه ای که میانگین نمره ی زنان از این متغیر، ۱۰۷/۵ است، در حالی که این میانگین برای مردان، ۱۰۲/۵ است. این تفاوت با توجه به میزان تی بدست آمده ($T=۳/۱۳$) در سطح ۹۹ درصد، معنی دار است.

جدول ۳ - آزمون معنی داری تفاوت میانگین نمره ی پاسخگویان از طیف رضایتمندی

زناشویی بر حسب جنس

T-value	d.f	Sig	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنس
-۳/۱۳	۲۳۳	۰/۰۰۲	۱۱/۳۵	۱۰۲/۵	۱۱۰	مرد
			۱۲/۶۴	۱۰۷/۵	۱۲۵	زن

بر اساس جدول شماره ۴، سازگاری زناشویی بین افراد بومی بیش از مهاجران از سایر استان هاست. به گونه ای که میانگین نمره ی افراد بومی ۸/۹ بیش از غیر بومی است. این تفاوت نیز، با توجه به نمره ی تی بدست آمده ($T=۴/۶۵$) در سطح ۹۹ درصد معنی دار است.

جدول ۴ - آزمون معنی داری تفاوت میانگین نمره ی پاسخگویان از طیف رضایتمندی زناشویی

بر حسب بومی بودن یا نبودن

T-value	d.f	Sig	انحراف معیار	میانگین	تعداد	وضعیت بومی بودن
۴/۶۵	۲۳۶	۰/۰۰	۹/۴	۱۱۲/۶	۴۸	بومی
			۱۲/۳	۱۰۳/۷	۱۹۰	غیر بومی

بر اساس جدول شماره ۵، رضایتمندی زناشویی کسانی که با همسرشان نسبت فامیلی دارند، ۳/۳ نمره ی بیش از کسانی است که با همسرشان غریب هستند.

جدول ۵ - آزمون معنی داری تفاوت میانگین نمره ی پاسخگویان از طیف رضایتمندی زناشویی برحسب نسبت فامیلی زوجین

T-value	d.f	Sig	انحراف معیار	میانگین	تعداد	نسبت فامیلی
۲/۰۳	۲۳۴	۰/۰۴	۱۲/۲	۱۰۷/۵	۱۰۱	بلی
			۱۲/۳	۱۰۴/۲	۱۳۵	خیر

نوع مهاجرت، نیز از جمله عامل هایی است که رضایتمندی زناشویی پاسخگویان را تحت تأثیر قرار می دهد. براساس جدول کسانی که به دلخواه مهاجرت کرده اند، از سازگاری زناشویی بیش تری برخوردارند. به گونه ای که میانگین نمره ی آن ها ۴/۴ بیش تر از کسانی است که به اجبار مهاجرت کرده اند که این تفاوت در سطح ۹۹ درصد معنی دار است.

جدول ۶ - آزمون معنی داری تفاوت میانگین نمره ی پاسخگویان از طیف رضایتمندی زناشویی برحسب نوع مهاجرت

T-value	d.f	Sig	انحراف معیار	میانگین	تعداد	نوع مهاجرت
۲/۶۶	۲۳۴	۰/۰۰۸	۱۲/۷	۱۰۷/۶	۱۵۸	اختیاری
			۱۱/۱	۱۰۳/۲	۷۸	اجباری

داشتن یا نداشتن مشکل و همچنین وجود نقطه ی مثبت در شهر جم تأثیری بر سازگاری زناشویی و ابعاد آن ندارد.

آزمون رگرسیون چند متغیره

پیش از بررسی نتایج بدست آمده از آزمون رگرسیون چند متغیره، ذکر دو نکته ضروری است. نخست این که، در این آزمون به غیر از متغیرهای نسبی و فاصله ای که در آزمون همبستگی پیرسون رابطه ی معنی دار با متغیر وابسته داشتند، متغیرهای اسمی دوگزینه ای که در آزمون T مورد بررسی قرار گرفته نیز به صورت متغیر تصنعی^۱ (۰ و ۱) وارد آزمون رگرسیون شده اند. نکته ی دوم این که، روش مورد استفاده در آزمون رگرسیون چند متغیره، روش مرحله به مرحله^۲ بود. در این روش، متغیرها برحسب بیش ترین تأثیری که در تبیین متغیر وابسته دارند، وارد معادله می شوند و پژوهشگر حق دخالت در ورود متغیرها به معادله را ندارد. بر اساس جدول شماره ی ۷ نخستین متغیری که وارد معادله می شود، دخالت خانواده است. ورود این متغیر به معادله، ۲۳ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را تبیین می نماید ($R^2 = ۰/۲۳$).

^۱ -Dummy Variable

^۲ -Step wise

دومین متغیری که وارد معادله می‌شود، جنسیت پاسخگویان است. ورود این متغیر به معادله قدرت تبیین آن را به ۲۸ درصد افزایش می‌دهد ($R^2=0/28$). امکان تفریح پاسخگویان با همسرشان، سومین متغیری است که وارد معادله می‌گردد و قدرت تبیین معادله را ۷ درصد افزایش می‌دهد ($R^2=0/35$). سطح تحصیلات پاسخگویان به عنوان چهارمین متغیر، وارد معادله می‌گردد و قدرت تبیین آن را به ۳۸ درصد افزایش می‌دهد ($R^2=0/38$). بهداشت روانی پاسخگویان، پنجمین متغیری است که وارد معادله می‌گردد و قدرت تبیین معادله را به ۴۰ درصد افزایش می‌دهد ($R^2=0/40$). متغیر میزان ارتباط با خانواده، ششمین متغیری است که وارد معادله می‌گردد و قدرت تبیین آن را به ۴۳ درصد افزایش می‌دهد ($R^2=0/43$). متغیر سن، هفتمین متغیری است که وارد معادله می‌گردد و قدرت تبیین آن را به ۴۵ درصد افزایش می‌دهد ($R^2=0/45$). آخرین متغیری که وارد معادله می‌شود، میزان ارتباط با گروه دوستان است. ورود این متغیر به معادله، باعث می‌گردد، قدرت تبیین معادله، به ۴۶/۸۷ درصد افزایش یابد ($R^2=0/4687$). براساس ضرایب B معادله، یک واحد افزایش در میزان دخالت خانواده، ۲/۵ نمره از میزان سازگاری زناشویی کاسته می‌شود. میزان سازگاری زناشویی مردان، ۶/۶ کم تر از زنان است. یک واحد افزایش در امکان تفریح مشترک، ۲/۲ به نمره ی میزان سازگاری زناشویی افراد می‌افزاید. افزایش یک واحد به نمره ی ارتباط با خانواده، ۱/۴ به میزان سازگاری زناشویی می‌افزاید. یک سال افزایش به سطح تحصیلات پاسخگویان، باعث می‌گردد، ۰/۷ از میزان سازگاری زناشویی آن ها کاسته شود. افزایش یک نمره به بهداشت روانی آن ها، ۰/۲ به میزان سازگاری زناشویی می‌افزاید. افزایش هر سال سن، ۰/۳ از میزان سازگاری زناشویی می‌کاهد و یک واحد افزایش به میزان ارتباط با گروه دوستی ۰/۷ نمره به میزان سازگاری زناشویی افراد می‌افزاید. براساس ضرایب B معادله، متغیر دخالت خانواده، بیش ترین تأثیر را در تبیین متغیر وابسته دارد و تأثیر ارتباط با گروه دوستی، کم تر از سایر متغیرهاست.

جدول ۷ - معادله ی رگرسیون سازگاری زناشویی در مرحله ی نهایی

نام متغیر	Bضریب	Beta	R ²
دخالت خانواده	-۲/۵	-۰/۳۳	/۲۳۶۳
جنس	-۶/۶	-۰/۲۶	/۲۸۳۵
امکان تفریح مشترک	۲۰	۰/۲۷	/۳۵۲۱
تحصیلات	-۰/۷	-۰/۲۲	/۳۸۱۱
بهداشت روانی	۰/۲	۰/۲۱	/۴۰۵۶
روابط خانوادگی	۱/۴	۰/۲۱	/۴۳۱۲
سن	-۰/۳	-۰/۲۰	/۴۵۲۴
گروه سنی	۰/۷	۰/۱۴	/۴۶۸۷
عدد ثابت	۱۲۱/۱	—	---

$$f = ۱۸/۶ \quad d.f = ۸, ۱۶۹ \quad sig = ۰/۰۰۰ \quad R = ۰/۶۸۵ \quad R^2 = ۰/۴۶۸۷$$

نتیجه گیری

در این بررسی، آنچه که ابتدا ذهن نگارنده را به سمت موضوع کشانید، وجود مشکلات خانواده‌های مهاجر در مناطق نفت خیز بود. با مروری بر نظریه های پیشین در ارتباط با مسئله، مشخص شد که این نظریه ها به دو دسته ی کلی تقسیم شدنی است: نظریه های کلان و نظریه های خرد.

با مرور نظریه های خرد، آنچه که بنظر می‌رسد، جوانب بیش تری از مسئله را نگریسته باشد، دیدگاه ترکیبی کالینز است. همان گونه که ریتزر یادآوری می‌کند، دیدگاه کالینز، ترکیبی از دیدگاه مبادله، کنش متقابل و روان شناسی تحلیلی است.

در دیدگاه کالینز، آنچه که در ارتباط با روابط بین زن و شوهر قابل استخراج است، این است که روابط بین زن و شوهر نوعی مبادله است. در این مبادله افراد در پی بدست آوردن سود یا منفعت هستند. این سود یا منفعت از دید افراد گوناگون می‌تواند، معانی گوناگونی داشته باشد و بستگی به منابعی که شخص وارد مبادله می‌کند و منابع سایر افراد در مبادله دارد. کالینز بر این باور است که افراد در پی بیشینه کردن انرژی احساساتی هستند. اگر دستاورد این مبادله، سود یا انرژی احساساتی مثبت باشد، شخص احساس رضایت خاطر می‌کند و چنانچه شخص احساس کند که از مبادله فایده‌ای نصیب نمی‌شود، در صورتی که امکان انتخاب داشته باشد، حتما رابطه را ترک

خواهد نمود، بنابراین آنچه که باعث تداوم رابطه می‌شود، احساس مثبت شخص از رابطه و احساس رضایت‌خاطری است که از مبادله نصیب شخص می‌شود.

مسئله ی مهم دیگر از دید کالینز، منابعی است که شخص وارد مبادله می‌کند. کالینز آنرا ذخیره ی فرهنگی یا سرمایه فرهنگی می‌نامد. عامل هایی از قبیل تحصیلات، درآمد، پشتوانه ی فرهنگی و اجتماعی شخص و ... بخشی از منابعی هستند که شخص با خود، وارد مبادله می‌کند، اما آنچه از دید کالینز بیش تر ارتباط بین افراد را تقویت می‌کند، چگونگی تعاملات بین افراد و بویژه گفتگو است. صرفنظر از این که این گفتگو بر سر موضوع های خاص یا عام باشد، باعث تداوم ارتباط بین افراد می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش تعداد عامل هایی که با متغیر اصلی ما در ارتباطند متعدد است، اما از این میان برخی عامل ها ارتباط مستقیم و برخی مانند تحصیلات، سن و درآمد ارتباط معکوس دارند، اما دسته ی دیگر، عامل هایی مانند انجام تفریحات مشترک سفرهای تفریحی و ... هستند که افزایش آن ها باعث افزایش رضایتمندی زناشویی می‌شود.

- اگر دو عامل تحصیلات و درآمد را به عنوان شاخصی از پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد در نظر بگیریم. متوجه می‌شویم که با افزایش این پایگاه، از میزان رضایت افراد از زندگی زناشویی کاسته می‌شود. در مورد زنان، متغیر شغل را هم باید به آن افزود زیرا میزان رضایت در میان زنان شاغل کم تر از زنان خانه‌دار است. شاید بتوان گفت که با افزایش پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد، انتظارات آن ها نیز به همان نسبت بالا می‌رود و وقتی که امکانات به همان نسبت افزایش نیابد، رضایتمندی افراد پایین می‌آید. این مسئله در ارتباط با جامعه‌ی آماری مورد نظر زمانی بیش تر برجسته می‌شود که بدانیم رضایتمندی در بین افراد مهاجر از سایر استان ها (غیر بومی‌ها) کم تر است.

- از دیگر مسایل مؤثر بر میزان رضایت زوجین، امکان انجام تفریحات مشترک و رفتن به سفرهای تفریحی است که باعث بالا رفتن میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی می‌شود. در بین این خانواده‌ها هم از نظر امکان انجام تفریحات مشترک و هم انجام سفرهای تفریحی مشکل وجود دارد. بویژه برای آن دسته از مهاجرانی که از نقاط دور به این منطقه آمده‌اند، لازمست بدانیم، میانگین تعداد سفرها در طول یک سال، یک تا دو بار است و این رقم با در نظر گرفتن میزان مسافرت افراد بومی استان بوشهر بدست آمده (۴۰ درصد از کل خانواده‌ها) که این عده گاهی در طول سال تا ۱۵ بار نیز به مبدأ خود سفر می‌کنند، بنابراین مشخص می‌شود یکی از مشکلات این خانواده‌ها پایین بودن امکان انجام تفریحات و مسافرت است. همان گونه که از جدول مربوط به بعد اجماع زوجین نیز مشخص می‌شود، کم ترین میزان توافق زوجین در ارتباط با امور سرگرمی و

تفریحات است. در جای دیگر نیز مشخص شد، با وجود این که زوجین در اوقات فراغت، در کنار یکدیگر بسر می‌برند، اما این اوقات صرف انجام تفریحات نمی‌شود.

- در نتایج آزمون مربوط به رگرسیون مشخص شد که مهم ترین عامل تعیین کننده ی رضایتمندی زناشویی، میزان دخالت خانواده است. حتی با وجود این که این افراد، اغلب از خانواده دور هستند، اما باز هم مهم ترین عامل تعیین کننده ی متغیر وابسته در این پژوهش همان عامل دخالت خانواده است. بنظر می‌رسد زوجین در زمینه ی مسایل خانوادگی و حل مسایل آن، با وجود این که میزان تحصیلات افراد نسبت به قبل بالاتر رفته (۴۰ درصد از افراد جامعه ی آماری ما دارای تحصیلات عالیه هستند) و همچنین از نظر مالی مستقل هستند، هنوز به اندازه ی لازم مستقل عمل نمی‌کنند. این مسئله نمی‌تواند ناشی از فامیل بودن زوجین باشد. به این دلیل که میزان رضایتمندی زوجینی که با هم فامیل هستند، بالاتر از سایر زوجین است.

- یکی از متغیر های تأثیرگذار، مسئله ی سن افراد است. به گونه ای که هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، از میزان رضایتمندی آنها کاسته می‌شود. شاید بتوان علت آن را خستگی زوجین، به مرور زمان دانست. زوجینی که در طول سال های زندگی کار می‌کنند و فرصتی کم تر برای رفع خستگی و باهم بودن می‌یابند.

- در ارتباط با مشکلات این خانواده‌ها، با این که درصد زیادی از این ها به اختیار اقدام به مهاجرت کرده‌اند، اما با مشکلاتی مواجه‌اند که بیش تر مربوط به امکانات آموزشی و تفریحی و در مرتبه ی بعد امکانات پزشکی و درمانی است.

- از دیگر عامل های مؤثر امکان ارتباط کم با خانواده و ضعیف بودن ارتباط با گروههای دوستی است که با تشکیل انجمن ها و نهادهایی که بتوانند امکان ایجاد ارتباط با افراد را بیش تر فراهم کنند، می‌توان تا حدی به حل آن کمک کرد.

- آخرین نکته این که میزان رضایت خانواده‌های بومی بیش از سایر خانواده‌هاست. این مسئله به دو علت می‌تواند رخ دهد: ۱- این خانواده‌ها بدلیل نزدیک بودن به محل زندگی پیشین خود امکان رفت و آمد بیش تری با فامیل و خویشاوندان در مبدأ دارند. ۲- به دلیل این که استان بوشهر از استان های محروم کشور بشمار می‌رود، انتظارات این افراد پایین تر از افرادی است که از مناطق برخوردار، به این منطقه مهاجرت کرده‌اند، اما انجام هر کار پژوهشی، می‌تواند حاوی دست‌آوردهایی باشد که به عنوان تجربه برای انجام بهتر پژوهش های بعدی، مورد استفاده قرار گیرد. به طور خلاصه، می‌توان پیشنهادهای زیر را برای مسئولان و سایر پژوهشگران ارایه کرد.

بنظر می‌رسد نیاز به توسعه ی امکانات، بویژه امکانات تفریحی و آموزشی وجود دارد. کمبود امکانات مشاوره‌ای و مددکاری اجتماعی هم مسئله‌ای است که با توجه به تنهایی و دور بودن این

افراد از خانواده و دوستان و درصد شایان توجه افرادی که به بیماری های عصبی و افسردگی مبتلا شده اند، لزوم آن بیش تر احساس می شود.

- همچنین، لازمست به خانواده ها و بویژه زوج های جوان، آموزش هایی داده شود تا بتوانند ضمن ایجاد ارتباط سالم با خانواده، از دخالت آن ها در زندگی خانوادگی شان جلوگیری کنند و به گونه ی مستقل برای زندگی خود تصمیم بگیرند. لازمست زوج ها بیاموزند که جهت حل مشکلات خود، افزون بر افزایش آگاهی، سعی کنند مسایل خود را با افراد آگاه و بی طرف در میان بگذارند.

- با توجه به این که میزان رضایتمندی مهاجران بومی استان بوشهر، بیش تر از سایر مهاجران است، بهتر است سیاست ها بیش تر در راستای تشویق کارکنان بومی استان بوشهر، برای مهاجرت به این منطقه باشد. همچنین با توجه به این که، مهاجرانی که به اختیار اقدام به سکونت در این منطقه کرده اند، از میزان رضایت بالاتری برخوردارند، لازمست تا از زیر فشار گذاشتن خانواده ها برای مهاجرت به این منطقه خودداری شود.

منابع

- ۱- ادیبی، ح. و انصاری، ع. ۱۳۵۸. نظریه های جامعه شناسی. تهران: انتشارات جامعه. چاپ اول.
- ۲- ازکمپ، ا. ۱۳۶۹. روان شناسی اجتماعی کاربردی. مترجم: فرهاد ماهر. مشهد: ناشر معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- ۳- اسکیدمور، و. ۱۳۷۲. تفکر نظری در جامعه شناسی. مترجمان: علی محمد حاضری و دیگران. تهران: نشر سفیر. چاپ اول.
- ۴- اعزازی، ش. ۱۳۸۲. جامعه شناسی خانواده. مترجم: حمید الیاسی. نشر مرکز. چاپ اول. ترنر
- ۵- دواس، د. ا. ۱۳۸۳. پیمایش در پژوهش های اجتماعی. مترجم: هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی. چاپ پنجم.
- ۶- رحیمی نیک، ا. ۱۳۷۳. تئوری های نیاز و انگیزش. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی. چاپ اول.
- ۷- ریتزر، ج. ۱۳۷۴. نظریه ی جامعه شناسی در دوران معاصر. مترجم: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. چاپ دوم.
- ۸- سگالن، م. ۱۳۷۰. جامعه شناسی تاریخی خانواده. مترجم: حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- ۹- سیف، س. ۱۳۶۸. تئوری رشد خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- ۱۰- قلی زاده، آ. و دیگران ۱۳۸۳. " رابطه ی اشتغال در طرح اقماری صنعت نفت با مشکلات خانوادگی و اجتماعی از دیدگاه کارکنان این طرح و همسران آن ها". دانش و پژوهش در روان شناسی، شماره ی ۱۹، صص ۱۵۹-۱۸۲.
- ۱۱- کریمی، ی. ۱۳۸۲. روان شناسی اجتماعی. تهران: نشر ارسباران. چاپ دوازدهم.

۱۲- مازلو، ا. ۱۳۷۱. به سوی روان شناسی بودن. مترجم: احمد رضوانی. مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس. چاپ اول.

۱۳- منادی، م. ۱۳۸۳. "تاثیر تصورات و تعاریف مشابه زوجین در رضایت از زندگی زناشویی از دیدگاه زنان"، مطالعات زنان، شماره ی ۴.

۱۴- میراحمدی زاده، ع. و دیگران ۱۳۸۲. "رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تاثیر گذار بر آن در شهر شیراز"، اندیشه و رفتار، سال هشتم، شماره ی ۴، صص ۵۷-۶۳.

15- Bradbury, N. et al. 2000 . "Research on the nature and eterminants of marital satisfaction : a decade in review." Journal of Marriage and Family. Minneapolis: Vol.62, PP: 964-981. [online]. <http://proquest.umi.com/pqdweb?>. [10 May 2006]

16- Collins, R. 1981 . "On the micro foundation of macrosociology." American Journal of Sociology. Vol.86, N.5, PP: 984-1014.

17- Collins, R. 1986 . Max Weber. London: sage publication.

18- Collins, R. 1995 . "Prediction in macrosociology: the case of soviet collaps ."American Journal of Sociology. Vol. 100, No. 6, (may), pp:1552-1593.

19- Ehrenberg, F. et al. 2001 . "Childcare task division and shared parenting attitudes in dual-earner families with young children," Family Relations. Minneapolis: Vol. 50, PP: 143-154. [online].<<http://proquest.umi.com/pqdweb?>. [19 Mar 2006]

20- Epstein, B. et al. 2005 . "Relationship standards andmarital satisfaction in chines and American couples," Journal of Marital and Family Therapy. Upland: Vol. 31, PP:59-75.

21- [online].<<http://proquest.umi.com/pqdweb?>. [19 Mar 2006]

22- Janning, M. 2006 . "Put yourself in my shoes: variations in work-related spousal for professional married coworkers," Journal of Family Issues. Beverly hills: Vol.27, PP:85-97.[online]. <http://proquest.umi.com/pqdweb?>. [10 May 2006]

23- Marshfield Clinic. "Study shows vacations provide mental healthbenefits for women," Atlanta. Vol. 20, pp: 582-595. [online]. <<http://proquest.umi.com/pqdweb?>. [15 Mar 2006]

24- Miller, J. et al. 2003 . "Trait expressivness and marital satisfaction: the role of idealization processes," Journal of Marriage and Family. Minneapolis: Vol.65, PP:978-979. [online]. <<http://proquest.umi.com/pqdweb?>. [19 Mar 2006]

25- Orgill. J. et al. "Women's status and marital satisfaction in Bolivia," Journal of Comparative Family Studie. Calgary: Vol. 36, pp: 23-42. [online].<<http://proquest.umi.com/pqdweb?>. [12 Apr 2006]

- 26- Rogers, J. et al. 2003 . "Spillover between marital quality and job satisfaction: long-term patterns and gender differences," *Journal of Marriage and Family*, Minneapolis: Vol. 65, PP: 482-483. [online].<<http://proquest.umi.com/pqdweb?>. [15 Apr 2006]
- 27- Taniguchi, T. et al. 2004 . "A study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation," *Journal of Experiential Education*, Boulder: Vol. 28, pp: 253-357. [online].<<http://proquest.umi.com/pqdweb?>. [10 May 2006]
- 28- Turner, H. J. 2003 . *The Structure of Sociological Theory*. Seventh edition. Wadsworth: Thomson.